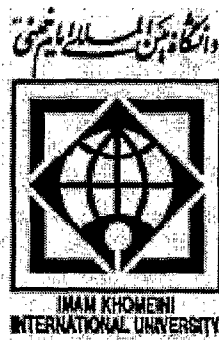


صلى الله عليه وسلم

١٧٤٧٧

۸۷/۱/۱۰۵۸۲۲  
۸۷/۱۲/۱۴



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشکده ادبیات

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان: بررسی مختصات زبانی و سبکی کتاب منشآت

استاد راهنما: دکتر سید اسماعیل قافله باشی

استاد مشاور: دکتر محمد تقی آذرمینا

تحقیق و تألیف: حسین مهری یان

مهر ۱۳۸۷

۱۰۶۴۷۸

اطلاعات درج شده در این سند  
توسط سیستم آرکایو

۱۳۸۷ / ۱۹ / ۲۳

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

بدینوسیله گواهی می‌شود جلسه دفاع از پایان‌نامه حسین مهربان دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان «مختصات سبکی و زبانی منشآت قائم مقام فراهانی» در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۱۳ برگزار شد و با نمره ۱۸/۵ و رتبه عالی مورد تأیید داوران محترم به شرح ذیل قرار گرفت:

۱- استاد راهنما: دکتر سید اسماعیل قافله باشی

۲- استاد مشاور: دکتر محمد تقی آذرمینا

۳- داور خارجی: دکتر سید خلیل قافله باشی

۴- داور داخلی: دکتر محمد شفیق صفاری



۵- نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر رضا سمیع زاده

## فهرست

### چکیده ۱۱

پیش‌گفتار ۲ / شرح احوال قائم مقام ۳ / تحول نثر فارسی در دوره قائم مقام ۷ / تغییرات در زبان فارسی ۸ / نثر قائم مقام ۹ / شعر قائم مقام ۱۱ / سخن آخر ۱۲

### فصل اول: دگرگونیهای آوایی

مقدمه ۱۴ / مصوتها: ابدال ۱۶ / افزایش مصوتها ۱۸ / کاهش مصوتها ۱۹ / صامتها: ابدال ۲۰ / افزایش صامت ۲۲ / حذف یا کاهش ۲۲ / بحثی در رسم الخط ۲۳

### فصل دوم: بررسی سطح صرفی

مقدمه ۲۵ / ساختمان فعل ۲۶ / فعل ساده ۲۸ / فعل پیشوندی ۳۷ / فعل مرکب ۴۱ / زمانهای فعل ۵۶ / ماضی ۵۶ / مضارع ۶۰ / فعل امر و نهی ۶۴ / آینده ۶۵ / وجه فعل ۶۷ / فعل مجهول ۶۹ / ساختمان اسم ۷۱ / اسمهای مشتق ۷۲ / اسمهای مرکب ۸۰ / اسمهای مشتق-مرکب ۸۳ / اسم از نظر نشانه جمع ۸۶ / جدول‌های آماری ۸۸ / صفت ۹۱ / صفت از نظر ساختمان: ساده ۹۱ / صفت مشتق ۹۲ / صفت‌های مرکب ۹۹ / گروههای وصفی ۱۰۱ / صفت شمارشی ۱۰۲ / صفت جانشین اسم ۱۰۵ / صفت مقلوب ۱۰۹ / مطابقت صفت با موصوف ۱۱۱ / تأنیث صفت ۱۱۱ / صفت عالی ۱۱۴ / ضمیر ۱۱۶ / ضمایر منفصل ۱۱۷ / ضمایر متصل ۱۱۸ / ضمیر مشترک ۱۲۱ / ضمیر اشاره ۱۲۲ / ضمیر شمارشی ۱۲۲ / ضمیر موصولی ۱۲۳ / ضمیر پرسشی ۱۲۳ / قید ۱۲۴ / قید از جهت نوع: قید مختص ۱۲۵ / قید مشترک ۱۲۵ / قید از جهت ساخت: قید ساده ۱۲۷ / قید پیشوندی ۱۲۸ / قید مرکب ۱۳۰ / گروه قیدی ۱۳۱ / قید از جهت مفهوم ۱۳۲ / قیدهای عربی ۱۴۰ / حروف ۱۴۶ / حروف اضافه ۱۴۶ / حروف اضافه مرکب ۱۵۵ / حروف ربط ۱۵۶ / حروف ربط ساده ۱۵۷ / حروف ربط مرکب ۱۶۲ / حروف نشانه ۱۶۳ / صوت و شبه جمله ۱۶۵

## فصل سوم: بررسی سطح نحوی

مقدمه ۱۶۹ / جمله از نظر مفهوم ۱۷۰ / جمله از حیث مفهوم مستقل ۱۷۲ / انواع جمله های مرکب ۱۷۳ / روابط جمله های پایه و پیرو ۱۷۴ / بحثی دیگر در جمله های مرکب ۱۷۷ / تأویل به مصدر اصلی ۱۷۷ / تأویل به مصدر بدلی ۱۷۸ / تأویل به صفت اصلی ۱۸۰ / تأویل به صفت بدلی ۱۸۱ / تمه بحث جمله های مرکب ۱۸۲ / نتیجه بحث جمله های مرکب ۱۸۵ / جمله های معترضه ۱۸۶ / مطابقت نهاد و فعل ۱۸۸ / نهاد جاندار ۱۸۸ / نهاد غیر جاندار ۱۸۹ / اسم های جمع و مبهم ۱۹۰ / بحثی در فعل و کاربرد آن در جمله ۱۹۳ / تقدیم فعل ۱۹۳ / گسترش فعل مرکب ۱۹۵ / تکرار فعل ۱۹۷ / حذف فعل ۱۹۹ / بحثی درباره قید: متمم قیدی ۲۰۱ / جمله های مؤول به قید ۲۰۱ / تأویل وجه مصدری به جمله زمان دار ۲۰۲ / بررسی درون جمله ای «را» ۲۰۳ / تحوّل در رابطه مضاف ۲۰۶ / تجزیه روستاختی جمله ۲۰۷ / حذف جمله یا بخشی از جمله ۲۱۱ / جمله های ناقص ۲۱۲

## فصل چهارم: تأثیر زبان عربی

مقدمه ۲۱۳ / مفردات ۲۱۵ / حروف ۲۱۶ / اسم فاعل و مفعول و مصدر عربی ۲۱۷ / صیغه مبالغه ۲۱۹ / اسم تفضیل ۲۱۹ / جمع های عربی ۲۲۱ / اسم زمان و مکان ۲۲۱ / کلمات تنوین دار ۲۲۲ / ترکیبات عربی ۲۲۲ / جار و مجرور ۲۲۳ / اضافات ۲۲۵ / جملات عربی: جمله های معترضه ۲۲۸ / آیات ۲۳۱ / احادیث ۲۳۴ / اشعار عربی و تمثیل های عربی ۲۳۶ / سایر عبارات های عربی ۲۴۰ / ذکر وقت به عربی ۲۴۳ / اسم و کنیه و لقب اشخاص به عربی ۲۴۴ / در خاتمه ۲۴۴ / تأثیر زبان ترکی و اروپایی ۲۴۵

### فصل پنجم: بررسی سبک منشآت از دیدگاه ادبی و هنری

مقدمه ۲۴۸ / سجع ۲۴۹ / سجع متوازی ۲۵۰ / سجع مطرف ۲۵۱ / سجع متوازن ۲۵۱ / سجع در سطح کلام: ترصیع ۲۵۲ / موازنه ۲۵۳ / تضمین المزدوج ۲۵۳ / سجعهایی که لخت دوّم آنها آیه یا عبارت عربی است ۲۵۴ / جناس ۲۵۴ / تکرار ۲۵۶ / مراعات نظیر و جمع بین الأضداد ۲۵۷ / مترادفات ۲۵۸ / تشبیهات و استعارات ۲۶۰ / مجاز ۲۶۲ / کنایات ۲۶۳ / تمثیل ۲۶۴ / تضمین و استشهاد شعری در نظم و نثر ۲۶۵ / آیات قرآنی، بیت ها و جمله های عربی ۲۶۸ / ایجاز ۲۶۹ / مساوات ۲۷۰ / توصیف ۲۷۰ / اطناب ۲۷۲ / اغراض ثانوی و معانی مجازی جملات خبری و انشایی ۲۷۴

### فصل ششم: بررسی سطح لغوی

مقدمه ۲۷۷

### فصل هفتم: بررسی منشآت از دیدگاه محتوی

مقدمه ۲۹۱ / مسائل سیاسی و حکومتی ۲۹۲ / موضوعات اجتماعی ۲۹۳ / مسائل اخلاقی و دینی

۲۹۴ / امور شخصی ۲۹۵

## چکیده

منشآت قائم مقام از کتابهای دوره رستاخیز یا بازگشت ادبی است و بی گمان یکی از شاهکارهای نثر فارسی است. این کتاب علاوه بر نشان دادن اوضاع سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران در اوایل دوره قاجاریه، از لحاظ ادبی نیز حائز اهمیت است. قائم مقام با احاطه ادبی و قدرت قلم خود و به سبب نثر روان و شیرین و سبک سلیس و محکم و استفاده از ترکیبات ساده، بساط نثر مغلط و پیچیده زمان خود را برچید و نثر فارسی را در مسیر روانی و سادگی انداخت. در این پایان نامه سعی شده است در حد توان، ویژگی و ارزش ادبی و مختصات سبکی و زبانی کتاب نمایان شود.

متن حاضر در یک مقدمه و هفت فصل تنظیم شده و در آن سعی گردیده است سطح آوایی، صرفی، نحوی، لغوی، ادبی و محتوایی منشآت و همچنین تأثیر زبان عربی و آیات و احادیث شریف بر این کتاب آشکار گردد. روش کار بر مطالعات کتابخانه ای و تحلیل و بررسی آماری استوار است، در این تحقیق یکی از آثار زنده و پویای دوره قاجار معرفی می شود و می تواند تا حدی ما را در شناخت دوره بازگشت ادبی و تطور نثر منشیانه یاری نماید.

**کلید واژه:** قائم مقام، منشآت، سبک شناسی، نقد ادبی، بسامد، دستور تاریخی.

## پیش‌گفتار

منشآت میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی بی‌گمان یکی از شاهکارهای نثر فارسی است و با این که قائم مقام بیش از همه مرد سیاست و عمل است و نویسندگی او نیز به ایجاب ضرورت کار بوده، با این همه، نوشته‌های وی از ذوق و حسن سلیقه مایه وافر دارد و در ادبیات فارسی بیشتر از دو نظر حائز اهمیت است: یکی از نظر ارزش ادبی و دیگری از لحاظ نکات تاریخی. ارزش ادبی منشآت به سبب نثر روان و شیرین، سبک سلیس و محکم، ترکیبات صحیح و ساده آن است. "در حقیقت کلام این استاد رضوان معاد در روانی و سلامت و سادگی و لطافت، آب قراح باران است و وجوه صباح یاران، فاضلان بخرد و دانایان نیک و بد چون به نظر تحقیق در نگرند، دانند که درین حقه چه گوهرها و در این طبله چه خبرها و درین پرده چه آوازه‌است."<sup>۱</sup>

اهمیت تاریخی نامه‌های قائم مقام در آن است که از خلال این نامه‌ها به وضع سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران اوایل دوره قاجاریه می‌توان پی برد،<sup>۲</sup> در این نامه‌ها اوضاع داخلی دربار فتحعلیشاه و تحریکات و دسته‌بندیهای درباریان او به بهترین وجهی تشریح شده است، «در این نامه‌ها وضع مملکت و مصالح عالیه کشور را می‌بینیم که چه سان دستخوش اغراض و نیات اشخاص بوده است و مشاهده می‌کنیم که خدام چگونه خائن و خاطی چطور خدمتگزار و صمیمی معرفی می‌شده و یا در می‌یابیم که شاه چگونه مسحور افراد مغرض بوده و ولیعهد او جرأت نداشته است حقایق احوال را بیان کند و به مصلحت واقعی کشور سخن گوید»<sup>۳</sup> و بالاخره بسیار مطالب دیگر می‌توان استنباط کرد که مورخان و نویسندگان دوره قاجاریه به مقتضای حال و زمان و یا مصالح شخصی خود و یا عدم آگاهی از آن مطلب سخنی نگفته‌اند.

۱- منشآت. سید بدرالدین یغمائی. مقدمه. ص ۵۰

۲- به طور نمونه نامه ۴۴ و ۵۵ منشآت

۳- منشآت. جهانگیر قائم مقامی. مقدمه. ص ۳



مجموعه منشآت قائم مقام در حقیقت آئینه ای است که حقایق اوضاع زمان فتحعلیشاه را منعکس می سازد، نامه های قائم مقام غالباً دستورها، فرمان ها و گزارش هایی است که از جانب شاه و ولیعهد صادر شده و «چون مربوط به وقایع روزمره دربار و دولت و امور جاری کشور بوده است لامحاله از دروغ و ریا، پرده پوشی و خویشتن داری عاری بوده است ولی متأسفانه از چند هزار نامه و فرمان و حکم و رقم که بی گمان قائم مقام در حالات و زمانهای مختلف و در طی سی سال خدمت دربار نگاشته است اندکی بیش در دست نیست و اکثر آنها مفقود و یا پراکنده می باشد و آنچه امروز از آن به طور مدون باقی است مجموعه ای است که شامل ۱۲۵ نامه فارسی و عربی، چهار رساله - که دو رساله آن ناقص است - و پنج دیباچه می باشد»<sup>۱</sup> و ادبیات فارسی وجود این مجموعه بی نظیر ادبی را مدیون کوشش و همت شاهزاده فرهاد میرزا معتمدالدوله، فرزند عباس میرزا نایب السلطنه، است که نخستین بار در شعبان ۱۲۸۰ قمری بر اثر مساعی و اهتمام وی در تهران با چاپ سنگی به چاپ رسید.

### «شرح احوال قائم مقام»

در فراهان اراک در خانواده با شرافت سادات هزاوه<sup>۲</sup> از تبار میرزا عیسی فرزند میر ابوالفتح، معروف به «میر مُهردار» که در دربار صفوی سمت مُهرداری داشته دو فرزندزاده شد به نامهای حسین و حسن. اولی، یکی از فضلای نامی گشت و در سال ۱۱۸۰ هجری قمری به وزارت سلاطین زندیه رسید و به سه پادشاه زند خدمت کرد و معروف به میرزا محمدحسین و متخلص به «وفا» شد و برادر دوم آنها که وی نیز مردی آگاه و لایق بود، در کارها معاون برادر خویش شد. از پشت برادر دوم - یعنی میرزا حسن - فرزندی به وجود آمد که به نام جدش میرزا عیسی نامیده شد و به میرزا بزرگ<sup>۳</sup> مشهور گشت.

۱- منشآت. جهانگیر قائم مقامی. مقدمه. ص ۴

۲- یکی از توابع فراهان که محل سکناى این سادات می باشد.

۳- وی معروف به قائم مقام اول است.

میرزا بزرگ چون در دامان عم صاحب کمال خود تربیت یافت، از همان جوانی در سایه عم بزرگوار خود و قابلیت خویش، برای تصدی مشاغل دولتی لیاقت یافت. بعد از انقراض سلطنت زندیه و امتناع این دو برادر - حسین و حسن - از پذیرفتن خدمت در دولت قاجاریه آنها میرزا بزرگ را به جای خود به خدمت آن دولت گماشتند.

میرزا بزرگ بعد از مدتی اقامت در تهران، به نیابت صدارت عباس میرزا ولیعهد - که والی آذربایجان شده بود - رسید و بعد از آن در آذربایجان قائم مقام صدارت شد و «این لقب در خانواده او ماند و مصدر خدمات شایانی گشت از جمله اصلاح قشون و تعلیم و تربیت عباس میرزا و اولاد او که اغلب دارای فضل و کمال شدند»<sup>۱</sup>.

در سنه ۱۱۹۳ (ه. ق) در هزاوه فراهان از پشت میرزا بزرگ فراهانی و دختر میرزا محمد حسین وزیر، پسری زاده شد که او را میرزا ابوالقاسم نامیدند. «این فرزند در دامان مادری تربیت یافت که از طرف پدر و شوهر به مخزن علم و ادب اتصال داشت. تا به سن تحصیل رسید و به شیوه آن عصر، پس از آموختن خواندن و نوشتن فارسی، به آموزش صرف و نحو، منطق، معانی و بیان، عروض، لغت عربی، عرفان و حکمت الهی، ریاضی، کلام، تفسیر و اخلاق پرداخت و در بسیاری از فنون به ویژه املا و انشاء فارسی و عربی و حُسن خط، از همگان گوی سبقت ربود.»<sup>۲</sup> میرزا ابوالقاسم، پس از پایان تحصیلات، چند سال در تهران، گاهی به خوشی و خوشبختی و گاهی به سختی و بدبختی روزگار گذرانید، چنانکه در نوشته های خود اشاره می کند و می گوید: «کارم به گرفتن دکانی در نزدیکی مسجد شاه و فروش اسباب خانه و غیره کشید و رندان مرا مغبون کردند»<sup>۳</sup>.

در سال ۱۲۲۶ (ه. ق) که برادر بزرگ وی - میرزا حسن - وزیر شخصی نایب السلطنه در آذربایجان وفات کرد و پدرش او را از تهران به تبریز طلبید و با فرمان دولتی به شغل و کار برادر

۱- منشآت. سید بدرالدین یغمایی. مقدمه. ص ۲۲

۲- همان. ص ۲۳

۳- همان. ص ۲۳

منصوب ساخت. پس از چندی، که لیاقت و استعداد او در کار هویدا گردید، پدرش تمام مشاغل دولتی خود را به او واگذار کرد و خود گوشه گیری اختیار کرد.

پس از مرگ قائم مقام اول، تمام القاب و شوؤن و حقوق او از طرف دولت به فرزند بالیاقت وی تفویض گردید. قائم مقام در روزگار منصوبی، وزارت شخصی نائب السلطنه و پیشکاری کل مملکت آذربایجان را بر عهده داشت و با آن همه مشاغل، باز از تفننات شاعرانه و نگارشهای نظمی و نثری ظریف به دوستانش و نشست و برخاست با اهل حال و آمیزش با فضلا و ادبا، خودداری نمی کرد. «قائم مقام بعد از مدتی بر اثر سعایت و تفتین بد خواهان به اتهام دوستی با روسها از کار برکنار شد و سه سال در تبریز به بیکاری گذراند»<sup>۱</sup> اما در سال ۱۲۴۱ به واسطه اختلال امور آذربایجان، دولت مجبور شد این مرد بزرگ را از گوشه انزوا در آورد و شئون و مناصب نخستین وی را به او عطا نماید.

«در سال ۱۲۴۲ (ه. ق) فتحعلی شاه به آذربایجان رفت و مجلسی از رجال و اعیان و روحانیون و سرداران و سران ایلات و عشایر ترتیب داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ با روسها، به مشورت پردازند. در این مجلس تقریباً عقیده عموم به ادامه جنگ بود. اما قائم مقام برخلاف عقیده همه با مقایسه نیروی مالی و نظامی طرفین، اعتقاد به صلح داشت. این نظریه که صحت آن بعدها بر همه ثابت شد، در آن روز مهمه ای در مجلس انداخت و جمعی بر او تاختند آنگونه که از کار برکنار و به خراسان اعزام شد»<sup>۲</sup>.

جنگ با روس به شکست ایران انجامید و قوای روس به فرماندهی گراف پاسکوویچ تا تبریز راند. شاه، قائم مقام را از خراسان خواست و دلجویی کرد و با اختیار نامه عقد صلح به نام ولیعهد به تبریز روانه نمود. «میرزا ابوالقاسم در کار صلح و عقد معاهده با روس، جدیت فراوان کرد و عهدنامه ترکمنچای در پنجم شعبان ۱۲۴۳ ه. ق (۲۱ فوریه ۱۸۲۸ م) به خط

۱- از صبا تا نیما. یحیی آربین پور. ج اول. ص ۶۲

۲- همان. ص ۶۳

قائم مقام تنظیم و امضا شد»<sup>۱</sup>، گر چه بعدها بر او اعتراض کردند که به استقلال کامل ایران لطمه وارد شده است.

در اوایل سال ۱۲۴۹ نایب السلطنه بر اثر بیماری سل در مشهد درگذشت و فرزند او، محمد میرزا، ولیعهد ایران شد و به عنوان فرمانروای آذربایجان به همراه قائم مقام عازم تبریز شدند.

فتحعلی شاه در جمادی الاخر سال ۱۲۵۰ هـ. ق در اصفهان درگذشت. این خبر به آذربایجان رسید و محمد شاه قصد عزیمت پایتخت کرد. با تلاش قائم مقام خطبه به نام او خوانده شد و شاه به همراهی قائم مقام روز ۱۴ شعبان به تهران وارد شد و مجدداً مراسم تاجگذاری برگزار و قائم مقام به منصب صدارت، مشغول مملکت داری شد اما صدارت او دیری نپایید و سختگیری های او و سعایت حاسدان و مخصوصاً فتنه انگیزیهای بیگانگان، عاقبت شاه را بر وی بدگمان کرد تا در سال دوم سلطنت خود دستور داد او را در باغ نگارستان، محل بیلاقی خانواده سلطنتی، زندانی و پس از چند روز (صفر ۱۲۵۱ هـ. ق) خفه کردند و «بدین قرار به زندگانی مردی که از بزرگان ایران و ابلغ المترسلین آن زمان بود، پایان داده شد»<sup>۲</sup> حاصل یک دنیا علم و دانش و گنجی از فضل و ادب با لباس در تن، در صحن امامزاده حمزه، جنب مزار شیخ ابوالفتوح رازی به خاک سپرده می شود و اکنون قبرش مزار ارباب فضل و دانش است. نخستین بار مجموعه رسائل و منشآت قائم مقام به همراه مقدمه محمود خان ملک الشعراء به اهتمام فرهاد میرزا در سال ۱۲۸۰ هـ. ق در تهران گردآوری و در سال ۱۲۹۴ هـ. ق به کوشش و نظارت فرزندش اویس میرزا برای نخستین بار چاپ سنگی شد.

۱- از صبا تا نیما. یحیی آرین پور. ج اول. ص ۶۳

۲- همان. ص ۶۴

## تحول نثر فارسی در دوره قائم مقام

پس از پراکندگیها و آشفتگیهایی که از انقراض خاندان صفوی تا استقرار آقامحمد خان قاجار در کشور حکمفرما بود بار دیگر یک دولت مرکزی و حکومت واحد در ایران تأسیس شد و این مرکزیت با وجود سرکشیها و انقلابات داخلی و جنگهای خارجی با سپاهیان روس در زمان فتحعلیشاه و پریشانیهایی که بر اثر نفوذ بیگانگان روی داد دوام یافت و «به تدریج عواملی چون ارتباط و آشنایی با تمدن و فرهنگ مغرب زمین تحول عظیمی در اوضاع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور پدید آورد که در زبان اداری و ادبی تأثیر کرد. مرکزیت یافتن کشور موجب شد که اهل قلم و طبقه دانشمندان برای کسب مقامات دیوانی و کشوری با جستن پشتیبان از اکناف کشور به پایتخت روی آورند و به این طریق تهران محل اجتماع برگزیده باسوادانی شد که از شهرها و نواحی مختلف ایران آمده و به خدمات اداری و دولتی اشتغال یافته بودند»<sup>۱</sup> از کسانی که مقامات مهم دولتی یافتند برای مثال معتمدالدله و میرزا ابوالحسنی شیرازی و میرزا بزرگ و میرزا ابوالقاسم قائم مقام و امیرکبیر فراهانی و میرزا آقاخان نوری مازندرانی ... را نام می‌بریم.

«مستوفیان و دیوانیان زبانی را به کار می‌بردند که به زبان رسمی و ادبی بسیار نزدیکی داشت، اگر چه گویشهای محلی در چگونگی تلفظ و طرز استعمال و طرز استعمال لغات آن بی تأثیر نبود. این زبان دولتی و اداری یا زبان رسمی را در اصطلاح «لفظ قلم» می‌خواندند و عامه شنوندگان غالباً از چند جمله که طرف می‌گفت در می‌یافتند که او از طبقه منشی و مستوفی یعنی «اهل قلم» است و به «لفظ قلم» سخن می‌گوید»<sup>۲</sup>.

ارتباط با مغرب زمین از راه روابط سیاسی و بازرگانی تحولی در فکر طبقه برگزیده پدید آورد، همچنین آمدن معلمان خارجی برای تربیت و اداره سپاه از کشورهای فرانسه و انگلستان و اطریش و روسیه و روابط ایران با اروپا و آشنایی با جراید و کتب اروپایی موجب شد که یک عده لغات و اصطلاحات اروپایی در فارسی متداول شود و برای بعضی معانی تازه اصطلاحات جدیدی وضع گردد. «نتیجه مهم تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن بود که هدف و غرض نویسندگان تغییر کلی یافت اینبار مخاطب شاعر و نویسنده نه فقط معدودی از درباریان و برگزیدگان یعنی اهل دانش و فضل و ارباب قلم بلکه انبوه مردمی بودند که یا سواد داشتند یا

۱- تاریخ زبان فارسی. دکتر خانلری. ج ۲. ص ۱۲۴

۲- همان

کسی از باسوادان در مجامع نوشته‌ها را برای ایشان می‌خواندند.<sup>۱</sup> بنابراین سعی می‌کردند اندیشه‌های خود را به شیوه‌ای بنویسند که در خور فهم این گروه انبوه باشد و در ایشان تأثیر مطلوب را بپخشند.

### تغییرات در زبان فارسی:

بر اثر عواملی که ذکر کردیم تغییراتی در زبان فارسی پدید آمد از جمله:

۱. عبارت پردازی و تصنع و تکلف در انشای عبارات که در خور فهم عام نبود و به القای مطالب و تأثیر در ذهن خوانندگان زیان می‌رسانید کم‌کم منسوخ شد.
۲. یک سلسله کلمات خارجی که مفهوم آنها از کشورهای غربی اقتباس شده بود به عین لفظ یا اندک تغییری در زبان فارسی وارد شد. برای مثال:

سالدات

ماشین

جنرال

گمرک

۳. یک سلسله کلمات فارسی به معنای تازه در مقابل اصطلاحات خارجی متداول شد و به کار رفت مانند:

نظمیه

حقوق

سفیر

وزیر

۳. یکی از مختصات این دوره تمایل نویسندگان به استفاده کمتر از لغتهای عربی و استعمال لغات فارسی سره به جای آنها بود. البته در آغاز دوره قاجاریه این موضوع آنچنان مشهود نبود بلکه بعدها بر اثر پیدایش احساسات ملی و ایران پرستی این تمایل بیشتر شد.

۱- تاریخ زبان فارسی. دکتر خانلری. ج ۲. ص ۱۲۷

۴. لغات و اصطلاحاتی از زبان گفتار عامه به آثار نویسندگان نفوذ کرد که تا آنگاه در زبان ادبی راه نداشت.

تجدد نثر و تغییر سبک در این دوره دیرتر از تجدید نظم به وقوع پیوست. «اگر چه از عهد تیمور نثر مرسل و ساده رواج گرفته بود و در عهد صفویه و قاجاریه کتبی به آن سبک دیده شد لیکن پایه نثر فنی هنوز بر پایه و صاف با اندک تمایلی به گلستان شیخ سعدی نهاده بود و معتمدالدوله نشاط که آخرین حافظ مکتب قدیم است به سبک مذکور چیز می نوشت اما در همان زمان شخصی پیدا شد و به قوه فصاحت و بلاغت ثابت کرد که سبک تازه ای نیز می توان به وجود آورد و چون مقامی عالی داشت شیوه نثر او مطلوب و مورد تقدیر قرار گرفت»<sup>۱</sup> و این مرد میرزا ابوالقاسم فراهانی پسر میرزا عیسی معروف به میرزا بزرگ است که بعد از مرگ پدرش به لقب قائم مقام از طرف فتحعلی شاه ملقب گردید و در شعر «ثنائی» تخلص می نمود.

جودت ذهن و حسن قریحه و لطافت طبع قائم مقام باعث شد که او در نثر فارسی راه جدیدی پیماید، گر چه با سلیقه امروز نویسندگان، شاید پاره یی از اصطلاحاتی که قائم مقام در نثر فارسی کرده ناقص به نظر بیاید اما او در بسته یی را به روی دیگران گشود که چون موافق ذوق و سلیقه تجدید خواهان بود خیلی از ارباب قلم پشت سر وی در این راه قدم گذاردند.

### «نثر قائم مقام»

نثر قائم مقام گر چه گاه با عجله انشاء می کرده و قلم می زده است ولی از ذوق و حسن سلیقه مایه وافری دارد «قائم مقام به مقدار زیادی از عبارات متکلف و متصنع و مضامین پیچیده و تشبیهات بارد و نابجا کاسته و تا اندازه ای انشای خود را - مخصوصاً در مراسلات خصوصی - به سادگی و گفتار طبیعی نزدیک ساخته است»<sup>۲</sup>.

«وی پیرو مکتب گلستان سعدی است اما نمکی از خود دارد»<sup>۳</sup> با مراجعه به نوشته های نویسندگان قبل از قائم مقام با آن خشکی و تکلف و پوچی و مقایسه آن با منشآت می توان بر

۱- سبک شناسی بهار، ج ۳، ص ۲۴۸

۲- از صبا تا نیما، یحیی آرین پود، ج اول، ص ۶۵

۳- سبک شناسی بهار، ج سوم، ص ۲۴۹

تازگی و طراوت سخن او و حُسن تصرف وی در فن نویسندگی به سهولت پی برد به قول خود قائم مقام: «هر که لطف عبارت نداند حُسن اشارت چه داند؟»

اینک گزیده و خلاصه تصرفی که ایشان در نویسندگی به کار برده در اینجا شرح می دهیم و در فصل های بعد به شرح تفصیلی هر کدام از آنها می پردازیم:

۱. شیرینی بیان و عذوبت الفاظ و حسن آدای آنها.
۲. کوتاهی جمله ها که دیری بود از بین رفته بود.
۳. دوری از جمله ها و عبارت های طویل و قرینه سازی های مکرر و سجعیهای خسته کننده.
۴. بهره بردن از سجعیهای زیبایی که خاص سعدی در گلستان است.
۵. حذف زواید القاب و لاطایلات و تعریفهای خسته کننده.
۶. حُسن انتخاب در شواهد شعری از تازی و پارسی و همینطور در استدلالات قرآنی و حدیث و تمثیل.

۷. صراحت لهجه و ترک تشبیب های دور و دراز خسته کننده.
۸. ترجیح ایجاز بر اطناب از اینرو مراسلات او بالنسبه همه مختصر است به خصوص آنجا که با کنایه حرف می زند ایجازش مطلوب واقع می شود.
۹. ظرافت و لطیفه پردازی و آوردن لغات و مصطلحات تازه.
۱۰. آهنگ دار بودن عباراتش همچون عبارات گلستان شیخ.
۱۱. به کار نبردن زیاد «را» علامت مفعول.
۱۲. مطابقه صفت و موصوف، گاهی آنرا به قاعده عرب رعایت می کند چون «ملفوفه مبارکه»
۱۳. کاربرد فراوان تر فعل های مرکب نسبت به فعل های پیشوندی، گر چه بعضی از پیشاوندهای قدیمی افعال را که فراموش شده از نو بکار برده و زنده کرده است.
۱۴. ضمیر راجع به اسامی جمع غیر جاندار را به روش قدیم هم مفرد می آورد و هم جمع.<sup>۱</sup>

۱- برگرفته از سبک شناسی بهار، ج ۳ (با تلخیص)



### «شعر قائم مقام»

قائم مقام مانند اغلب رجال و بزرگان ایران، گاه به گاه شعر هم می سروده و «ثنائی» تخلص می کرده است. «وی در شعر نیز هر چند شاگرد مکتب شعرای خراسان است، امّا مانند نثر صاحب ابتکار و تصرف و خداوند شیرین کاری و تجدد است، خاصه در اشعاری که قصدی خاص دارد و می خواهد چیزی بگوید و مطلبی پیروراند از آن جمله قصیده «نونیه» که بعد از یکی از شکست های مجاهدان در آذربایجان که موجب شکست لشکریان و لیعهد نیز گردید و کارها را خراب و اختیار را از کف سردار لشکر بدر برد»<sup>۱</sup> جنبه ادبی و اخلاقی و تاریخی اشعارش و روانی ای که دارد، قابل تحسین است:

آه از این قوم بی حمیت بی دین      کرد ری و ترک خمسه و لر قزوین  
عاجز و مسکین هر چه دشمن بدخواه      دشمن بدخواه هر چه عاجز مسکین

در یکی از قصیده های خود در ایام معزولی این چنین شکایت می کند و می گوید:

ای بخت بد، ای مصاحب جانم      ای وصل تو گشته اصل حرمانم  
ای بی تو نگشته شام، یک روزم      ای بی تو نرفته شاد یک آنم

و در قصیده ای از سر دلتنگی گفت:

روزگارست اینکه گه عزت دهد گه خوار دارد

چرخ بازیگر ازین بازیچه ها بسیار دارد

«قائم مقام در صراحت لهجه افراط داشت. مخصوصاً در طعن و لعن بدکاران در نظم و نثر خودداری نکرده است چنانکه خود نیز در یکی از شعرهایش می گوید:

با بخت همی گفتم کای روی سیه آخر      تا کی ز تو من باشم درمانده و دروا  
گفت: این گنه از توست که گویند ترا نیست      در گفت بد از عرض خود اندیشه و پروا<sup>۲</sup>

۱- سبک شناسی بهار، ج ۳، ص ۲۶۳

۲- منشآت، سید بدرالدین یغمایی، مقدمه، ص ۴۲

در ضمن قصیده ای خطاب به محمد میرزا می گوید:

کمال عجز من اندر نظر میار ولی      جلال جد من آن سید انام بیار  
حقوق خدمت جد و پدر به جد و پدر      به یاد خویشتن ای شاه شاد کام بیار

نماینده سلیقه و ذوق او مثنوی «جلایر نامه» اوست که از زبان «جلایر» نام یکی از نوکران خود گفته است و گوشه و کنایه هایی به یکی از شاهزادگان که ظاهراً محمد میرزا باشد زده و این مثنوی اسباب کار مرحوم ایرج شد و «عارفنامه» و غالب مثنویهای ایرج از این مثنوی به وجود آمد، چنانکه خود او در «عارفنامه» گوید:

«جلایر نامه قائم مقام است      که سرمشق من اندرین کلام است»<sup>۱</sup>

### ■ سخن آخر

بعد از نخستین چاپ منشات قائم مقام به اهتمام فرهاد میرزا، چون آن مورد توجه عامه اهل قلم قرار گرفت، چهار بار دیگر - دو بار به طور مستقل و دو بار ضمن مجموعه ای از منشات دیگران - تجدید چاپ شد:

۱. نسخه چاپ تبریز، محرم سال ۱۲۸۲ قمری، شامل ۳۰۰ صفحه خشتی همراه با اشعار قائم مقام
۲. نسخه چاپ تبریز به تاریخ جمادی الاخر ۱۲۹۴ قمری در ۵۵۶ صفحه خشتی که ۱۵۶ صفحه آن اشعار است.
۳. مجموعه منشات قائم مقام ضمن کتاب مخزن الانشاء، چاپ تهران، سال ۱۲۸۶ قمری به خط میرزا محمدرضا کلهر منتشر شد.
۴. چاپ دوم مخزن الانشاء که از روی نسخه خط کلهر در رمضان ۱۳۰۳ به طبع رسید.

هفتاد و پنج سال بعد از آخرین چاپ منشات در یکصد و بیست و هفتمین سال کشته شدن قائم مقام این کتاب به اهتمام یکی از نوادگان وی برای بار ششم تجدید چاپ می شود. جهانگیر قائم مقامی ترتیب نامه ها را در چاپ جدید تغییر داده و نامه ها را بنا بر موضوع و سپس بر حسب

۱- از صبا تا نیما، ج اول، ص ۷۴

تاریخ انشاء آنها مرتب نموده است، در ضمن حواشی و تعلیقاتی نیز در پایان آورده که کامل نیست و وعده چاپ کامل آنرا به آینده موکول کرده است.

منشآت‌تی که به اهتمام جهانگیر قائم مقامی در مهر ماه ۱۳۳۷ شمسی به چاپ رسیده است در میان چاپ‌های دیگر کتاب، منقح‌ترین و کامل‌ترین آنهاست. منبع اصلی ما در کار پایان‌نامه همین کتاب بوده است که انتشاراتی ابن سینا آنرا در سال ۱۳۳۷ شمسی به زیور طبع آراست و ظاهراً هنوز نیز تجدید چاپ نشده است.

فصل اول:

# دگرکونی های آوایی